

پریشان کجاست و سطح آب به چه چیزی می‌گویند؟

محسن عباسپور

رئیس سازمان محیط‌زیست کشور، یعنی عالی‌ترین مقام دولتی «متخصص» در حوزه محیط‌زیست (حداقل در جایگاه سازمانی) در گفت‌وگو با خبرگزاری دولت در تاریخ هشتم فروردین ۹۱ فرموده بودند: «بارندگی‌های اخیر نه تنها موجب برطرف‌شدن مشکل آتش‌سوزی کلون‌های بحرانی شد بلکه موجب بالا آمدن سطح آب تالاب پریشان] هم شد.»

برای اینکه اندکی در فرمایش‌های حضرتشان دقت بیشتری کنیم، شاید نیاز باشد نگاهی گذرا و کوتاه به چند مقوله داشته باشیم. تالاب پریشان در ۱۵کیلومتری شرق کازرون و درست در منطقه‌ای واقع شده که چند سالی است به استناد نقشه‌های علمی، در قلب منطقه‌ای از کشور قرار گرفته که خشکسالی طی پنج‌ساله گذشته امانش را بریده که هیچ، نفشش را هم قطع کرده. این را هزاران پرند مهاجری که چند سالی است پایشان را به پریشان نگذاشته‌اند، به خوبی می‌دانند. باز به استناد آمارهای مکرر منتشرشده از سوی کارشناسان سازمانی که جناب دکتر محمدی‌زاده گران‌قدر، بر عالی‌ترین صندلی‌اش تکیه زده‌اند، برجسته‌ترین عاملی که پیامدهای خشکسالی را تشدید کرده و اثرات سوء آن به نحوی حتی از تبعات منفی خشکسالی نیز پیشی گرفته، وجود قریب به هزار حلقه چاهی است که چه به صورت مجاز و چه به صورت غیرمجاز، سفره‌های زیرزمینی پریشان را خالی و خالی و خالی‌تر می‌کنند. البته به این چاه‌های کشاورزی باید دو حلقه چاه عمیق ۳۰۰متری و یک حلقه چاه صد متری دیگر که استفاده صنعتی داشته و از اعمالق پایین‌تر، چشم به ذخایر آبی پریشان دوخته و روزانه ۸۰۰ مترمکعب آب را برای استفاده در سیستم‌های خنک‌کننده نیروگاه سیکل ترکیبی کازرون بیرون می‌کشند نیز اضافه کرد.

باید یادآور شد که صدای موتورها و پمپ‌های آب این چاه‌ها درست در سال‌هایی به گوش می‌رسیدند و می‌رسند که جناب محمدی‌زاده و همکاران پیشین‌شان بر عالی‌ترین صندلی‌های سازمان محیط‌زیست کشور تکیه زده بودند. به این مسائیل باید اضافه کرد که تالاب پریشان همچون کاسه‌ای است که زمانی پرآب می‌شود که بستر زیرین آن و سفره‌های آب زیرزمینی‌اش مملو از آب شده باشد و تنها در این شرایط است که سرریز آب در سطح بالای خاک جمع شده و بستری فیروزه‌ای رنگ از آب را در برابر دیدگان نمایان می‌کند.

از سوی دیگر آنچه که نیازی به آمار ندارد و هر بیننده‌ای هم که طی این چند سال و به‌ویژه دو سال گذشته و خاصه در ایام تیرورز ۹۱، تالاب اکنون کاملاً خشکیده پریشان را دیده خشکیده‌شدن کامل و بدون قطره‌ای از آب در تمام ۴۲۰۰هکتار بستر پریشان است. به استناد آمارها و محاسبات علمی کارشناسان و متخصصان حوزه آب و آبخیزداری، در شرایط فعلی حداکثر ۰٫۲درصد از بارش‌های باران جذب زمین شده و در سفره‌های آب اندوخته می‌شود. پس از آن هرچه بارش‌های باران بیشتر و بیشتر و برداشت از سفره‌های آب کمتر و کمتر شود، «سطح آب» تالاب پریشان بالاتر می‌آید. بنابراین با هیچ منطق علمی نمی‌توان دل به یک بارش بهاری باران سپرد و به استناد قطرات آن از بالا آمدن آب تالاب پریشان سخن گفت.

با این تفاسیر شاید دیگر نیازی به تشریح آنچه که بر فعالان محیط‌زیست گذشت، به‌ویژه آنها که بر تالاب پریشان متمرکز شده‌اند، پس از آنکه اظهارات اخیر رئیس محترم سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور را خواندند، نباشد. فعالانی که مدت‌هاست با خیالی تقریباً اسوده از «حسن‌نیت» سازمان محیط‌زیست، تمرکز فعالیت‌ها و تلاش‌های خود را بر گروه‌های آب در حال حاضر مشغول بهره‌برداری از تانماده آب باقیمانده در سفره‌های زیرزمینی تالاب پریشان گذاشته‌اند. چه بر سر ما آمد، آن زمان که با دیدگانی سرشار از حیرت، اظهارات اخیر رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور را خواندیم؟ اولین برداشت‌ها آن بود که باید پیش از تعامل و گفت‌وگو و چانه‌زنی با کشاورزانی که مشغول برداشت بی‌رویه آب هستند، سازمان محیط‌زیست را با رنج و آلام این نگین فیروزه‌ای خطه جنوب (که اکنون کاملاً به رنگ خاک در آمده است)، آشنا کنیم.

جناب آقای محمدی‌زاده! ما عزم‌مان جزم است. همان‌گونه که با کشاورزان و صنعتگران محترم وارد گفت‌وگو شده‌ایم، فصل جدیدی از گفت‌وگو را با شما نیز آغاز خواهیم کرد و آن‌گونه که از طبیعت یاد گرفته‌ایم، امیدوارانه این درپچه‌های گفت‌وگو را روزنه‌هایی روشن، برای بازگرداندن آب به‌روی پریشان می‌دانیم. پس برای شروع باید بگوییم پریشان در ۱۵کیلومتری شرق کازرون و در قلب خشکسالی کشور قرار گرفته است. بیش ازهزار حلقه چاه آب سفره‌های آن را بیرون می‌کشند و «سطح آب» تالاب هم زمانی بالا می‌آید که سفره‌ها پر شوند. این برای شروع...

مزگان جمشیدی؛ طرح انتقال آب دریای خزر به کویر مرکزی ایران که در چند روز گذشته کلتکش توسط رئیس‌جمهور به زمین خورد بار دیگر با سر و صداهای زیادی مواجه شد. ولی این بار مخالفان تنها متخصصان حوزه محیط زیست و منابع طبیعی نیستند بلکه برخی نمایندگان مجلس و متخصصان حوزه آب هم به جمع مخالفان این طرح پیوسته‌اند. انتقال آب دریای خزر به سمنان هم شاید یکی از همان دست طرح‌های کارشناسی‌نشده‌ای باشد همچون طرح بوستان خانواده، که پنج سال قبل رئیس‌جمهور وعده‌اش را داد و قرار شد به ۱۰ میلیون خنوار ایرانی ۵۰۰ متر از اراضی ملی واگذار شود اما این طرح نیز مورد انتقاد متخصصان محیط زیست قرار گرفت و در همان ابتدای امر در نطفه خفه شد ولی چندی بعد نوبت به طرح باغ‌شهرها و واگذاری هزار متر از زمین‌های ملی به دو میلیون ایرانی رسید که این بار نیز این طرح با مخالفت رهبر انقلاب همراه شد و اجرای آن به تعویق افتاد. اما بخت با طرح انتقال آب دریای خزر به کویر مرکزی ایران همراه بود تا کلتک اجرایی آن در میان همه اعتراضات بالا هم به زمین بخورد. این در حالی است که تا به امروز سازمان محیط زیست

در برابر این طرح سکوت اختیار کرده و کوچک‌ترین واکنشی به نداشتن مجوزهای ارزیابی زیست‌محیطی آن نداشته و گویا تنها متولی حفظ محیط زیست کشور با مجریان این طرح توسعه‌ای همراه شده تا به هر قیمتی آب خزر را به کویر مرکزی ایران انتقال دهند.

موفقان این طرح می‌گویند: با اجرایی شدن آن از طریق احداث هفت دریاچه در مناطق مرکزی، اقلیم و آب و هوای کویر لوت و کویر مرکزی تغییر خواهد یافت و اقلیم نیمه‌مدیترانه‌ای ایران تغییر اساسی خواهد کرد اما مخالفان می‌گویند این طرح ضمن داشتن اثرات منفی زیاد بر زیست‌بوم منطقه، برداشت غلامعلی خیاط‌خلقی پیشنهاددهنده طرح می‌گوید: یکی از این دریاچه‌ها در فاصله ۵۰کیلومتری تهران واقع خواهد بود و ما

هشدار نایب‌رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی:

دریای خزر به سر نوشت ارومیه دچار می‌شود

در برابر این طرح سکوت اختیار کرده و کوچک‌ترین واکنشی به نداشتن مجوزهای ارزیابی زیست‌محیطی آن نداشته و گویا تنها متولی حفظ محیط زیست کشور با مجریان این طرح توسعه‌ای همراه شده تا به هر قیمتی آب خزر را به کویر مرکزی ایران انتقال دهند.
موفقان این طرح می‌گویند: با اجرایی شدن آن از طریق احداث هفت دریاچه در مناطق مرکزی، اقلیم و آب و هوای کویر لوت و کویر مرکزی تغییر خواهد یافت و اقلیم نیمه‌مدیترانه‌ای ایران تغییر اساسی خواهد کرد اما مخالفان می‌گویند این طرح ضمن داشتن اثرات منفی زیاد بر زیست‌بوم منطقه، برداشت غلامعلی خیاط‌خلقی پیشنهاددهنده طرح می‌گوید: یکی از این دریاچه‌ها در فاصله ۵۰کیلومتری تهران واقع خواهد بود و ما

■ ■ ■

اما واگرهای طرح انتقال آب دریای خزر

قلب ترک خورده گر به سیراب می‌شود؟

مرجان حاجی حسنی

کند تا به کویر مرکزی برسد.

این یک قسمت ماجراست. قسمت مهم دیگر در این پروژه استفاده از آب‌شیرین‌کن‌هاست تا آب شور دریای خزر را شیرین کرده و به آب قابل استفاده جهت کشاورزی و مصارف شهری تبدیل کنند که این آب‌شیرین‌کن‌ها هم برای خودشان ماجرابی دارند. به گفته دکتر کهرم این آب‌شیرین‌کن‌ها خطرانی را برای دریای خزر به همراه دارد که یکی از این خطرات، بالا رفتن درجه حرارت آب در اطراف آب‌شیرین‌کن‌هاست که باعث برهم خوردن تعادل حرارتی آب و از بین رفتن موجودات آبی‌ری خزر می‌شود.

از سوی دیگر این دستگاه‌ها باعث ایجاد سرو صدا و آلودگی در آب می‌شوند. همچنین نمک جدا شده از آب توسط آب‌شیرین‌کن‌ها در دریا ها می‌شود و غلظت نمک آب به شدت بالا می‌رود و در نهایت این انتقال آب، دریای خزر را به قتل می‌رساند.

این کارشناس محیط زیست در ادامه گفت: انتقال آب دریاچه خزر که ۱۳ گرم در لیتر نمک دارد، به هیچ‌وجه مقرون به صرفه نیست. به گفته وی چنانچه شهرهای مرکزی ایران با مهاجرت و کاهش جمعیت مواجه می‌شوند علت آن فقط کمبود آب نیست بلکه این مناطق مشکل خاک هم دارند. خاک این مناطق ماسه‌ای است و از نظر مواد غذایی بسیار فقیر است. چنین خاکی اصلا برای کشاورزی مناسب نیست. بنابراین اگر تمام آب دریای خزر هم به این مناطق انتقال پیدا کند، فایده‌ای ندارد. آب دریای خزر اگر با هزینه بسیار گزاف منتقل شود فقط به درد شرب و شست‌و شو و مصارف صنعتی می‌خورد که مناطق مرکزی ایران فقط صنعتی هم نیستند. وی افزود: حالا تصور کنیم که آب از دریا به کویر منتقل شد و هیچ آسیبی هم به دریا نرسید. از این آب برای کشاورزی هم استفاده شد و محصولات کشاورزی هم وارد بازار شد. این محصول کشاورزی که با آب انتقال یافته از دریای خزر تولید می‌شود چقدر برای دولت هزینه خواهد داشت؟

ذخیره ژنتیکی، از ابرکوه تا نیویورک

کوشان مهران

ساختر فیزیکی در جمعیت‌های مختلف بوده و از دید ژنتیک بسیاری از زیرگونه‌های قدیمی در واقع نمونه‌هایی از یک گونه در زیستگاه‌های متفاوت هستند. به احتمال بسیار زیاد نمونه‌های گورخر ایرانی که در باغ‌وحش‌های جهان همچون آلمان و آمریکا وجود دارند، حاصل ارسال و تکثیر نمونه‌های زنده‌گیری شده ابرکوه هستند. موسسه اسمیتسونیان آمریکا برای نخستین بار در شرایط نیمه طبیعی به پرورش و زادآوری گور ایرانی پرداخته است. به دلیل محدودیت افراد تشکیل‌دهنده جمعیت‌های باغ وحش‌های سرتاسر جهان و مشکلات پیش آمده بابت درون‌گشتی افراد همخون، برخی باغ‌وحش‌ها متقاضی خرید گور از ایران هستند. در باغ وحش‌های مطرح گونه‌های کمیاب چون اسب وحشی و پرزولسکی دارای شجره‌نامه بوده و نیای افراد و درجه خلوص و پاک‌نژادی آنها مشخص است. برای پیشگیری از دشواری‌های ژنتیکی برخی باغ وحش‌ها با تعویض یا قرض دادن گونه‌های



طرح‌های غیرکارشناسی گفت: دولت اگر می‌خواهد در اجرای طرح‌های صنعتی و عمرانی پیشرو باشد، باید نخست طرح آژادراه شمال را به پایان رساند بعد اقدام به اختصاص ردیفی با اعتبار حدود دو هزار میلیارد تومان برای طرح انتقال آب کند.

نایب‌رئیس فراکسیون محیط‌زیست و توسعه پایدار مجلس هشتم، با اعلام اینکه اجرای طرح انتقال آب از دریای خزر به سمنان تبعات بسیاری را برای کشور به‌دنبال دارد، تصریح کرد: هم‌اکنون به لحاظ علمی ثابت شده است که آب اقیانوس‌ها (یا توجه به این موضوع که آب اقیانوس‌ها با هم مرتبط هستند) برای تجدید دوباره به سه‌هزار سال زمان نیاز دارد و برای دریای خزر که فضای محدود و بسته دارد برای تجدید منابع حدودا ۱۰ هزار سال زمان نیاز است. از سوی دیگر انتقال آب دریای خزر افزون‌بر ایجاد مشکلات زیست‌محیطی برای منطقه، موجب بروز بیماری به‌علت آلوده بودن آب برای مردم استان سمنان می‌شود. او با تأکید بر اینکه انتقال و تصفیه آب دریای خزر به استان سمنان هزینه زیادی را برای کشور در بردارد، افزود: مسوولان اگر اقدام به توزیع آب معدنی در این استان کنند به‌طور حتم مقرون به صرفه‌تر از اجرای این طرح است.

■ ■ ■

طرح‌های غیرکارشناسی گفت: دولت اگر می‌خواهد در اجرای طرح‌های صنعتی و عمرانی پیشرو باشد، باید نخست طرح آژادراه شمال را به پایان رساند بعد اقدام به اختصاص ردیفی با اعتبار حدود دو هزار میلیارد تومان برای طرح انتقال آب کند.
نایب‌رئیس فراکسیون محیط‌زیست و توسعه پایدار مجلس هشتم، با اعلام اینکه اجرای طرح انتقال آب از دریای خزر به سمنان تبعات بسیاری را برای کشور به‌دنبال دارد، تصریح کرد: هم‌اکنون به لحاظ علمی ثابت شده است که آب اقیانوس‌ها (یا توجه به این موضوع که آب اقیانوس‌ها با هم مرتبط هستند) برای تجدید دوباره به سه‌هزار سال زمان نیاز دارد و برای دریای خزر که فضای محدود و بسته دارد برای تجدید منابع حدودا ۱۰ هزار سال زمان نیاز است. از سوی دیگر انتقال آب دریای خزر افزون‌بر ایجاد مشکلات زیست‌محیطی برای منطقه، موجب بروز بیماری به‌علت آلوده بودن آب برای مردم استان سمنان می‌شود. او با تأکید بر اینکه انتقال و تصفیه آب دریای خزر به استان سمنان هزینه زیادی را برای کشور در بردارد، افزود: مسوولان اگر اقدام به توزیع آب معدنی در این استان کنند به‌طور حتم مقرون به صرفه‌تر از اجرای این طرح است.

■ ■ ■

طرح‌های غیرکارشناسی گفت: دولت اگر می‌خواهد در اجرای طرح‌های صنعتی و عمرانی پیشرو باشد، باید نخست طرح آژادراه شمال را به پایان رساند بعد اقدام به اختصاص ردیفی با اعتبار حدود دو هزار میلیارد تومان برای طرح انتقال آب کند.
نایب‌رئیس فراکسیون محیط‌زیست و توسعه پایدار مجلس هشتم، با اعلام اینکه اجرای طرح انتقال آب از دریای خزر به سمنان تبعات بسیاری را برای کشور به‌دنبال دارد، تصریح کرد: هم‌اکنون به لحاظ علمی ثابت شده است که آب اقیانوس‌ها (یا توجه به این موضوع که آب اقیانوس‌ها با هم مرتبط هستند) برای تجدید دوباره به سه‌هزار سال زمان نیاز دارد و برای دریای خزر که فضای محدود و بسته دارد برای تجدید منابع حدودا ۱۰ هزار سال زمان نیاز است. از سوی دیگر انتقال آب دریای خزر افزون‌بر ایجاد مشکلات زیست‌محیطی برای منطقه، موجب بروز بیماری به‌علت آلوده بودن آب برای مردم استان سمنان می‌شود. او با تأکید بر اینکه انتقال و تصفیه آب دریای خزر به استان سمنان هزینه زیادی را برای کشور در بردارد، افزود: مسوولان اگر اقدام به توزیع آب معدنی در این استان کنند به‌طور حتم مقرون به صرفه‌تر از اجرای این طرح است.

است و قابلیت اجرایی ندارد. وی افزود: وقتی قرار شد از رودخانه ارس آب وارد دریاچه ارومیه کنند، کشور آذربایجان مدعی شد که این رودخانه یک رودخانه شماع است و ایران حق ندارد از آب آن استفاده کند. حالا اگر قرار باشد ما از آب دریای خزر و دریای عمان بهره‌برداری کنیم به طور حتم کشورهای ساحلی پس از مطالعه، اعتراض خواهند کرد.

زنده‌گیری و ارسال تعدادی گور از بهرام‌گور به باغ وحش‌های متقاضی است که حداقل در خارج از کشور، بیماری‌های ژنتیکی جمعیت گور ایرانی را مورد تهدید قرار ندهد. در پایان شاید بیان دو مطلب از گزارش آقای خسرو سربری از گور، خالی از لطف نباشد:

سابقه شکار گورخر در ایران

شکار گور یکی از ورزش‌های باستانی ما محسوب می‌شود (رستم دستان و بهرام‌گور)، برای صید آن باید از روش یوزپلنگ که اهورا به شکل جره‌گیر یعنی دور زدن محاصره می‌کند تقلید کرد سابقا و حتی قعلا در بین عشایر، صید آن به این طریق صورت می‌گیرد که چندین سوار ورزیده با در دست داشتن دستک (چوب دست) دو یا سه متری به محل تجمع گورها نزدیک شده و هر کدام به فاصله ۱۰ تا ۲۰۰ قدمی یکدیگر را به خط زنجیر قرار می‌گیرند. در این حال یکی از سواران از پشت گورها را دور زده و آنها را به طرف سسایر همراهان در محل‌های مخصوص خود به‌طوری‌که از دید حیوان محفوظ بوده و پیاده در کنار اسب‌های خود قرار گرفته‌اند می‌راند و به محض اینکه گور به اولین سوار نزدیک شد، رکاب‌کش چوب‌بهدست به تعقیب حیوان می‌پردازد و باید کوشش کند که با چوبدستی خود به پشت گردن گور ضربه‌ای وارد آورد و چه بسا با این ضربات حیوان از پا درمی‌آید و به سواران دیگر فرصت خودنمایی و نوبت ضرب شست‌نشان‌دادن نمی‌رسد. بدیهی است برای تعقیب‌کننده نیز این عمل خالی از مخاطره نبوده و کسانی که جان خود را در این راه گذاشته یا ناقضی‌العضو شده‌اند، بسیاریند. ولی امروزه در بین ایلات شکار به طریق بالا مرسوم نیست و بیشتر با اسب و تفنگ به شکار آن می‌پردازند. زمانی صید این حیوان به طریق دیگری نیز مرسوم بود ولی حالا به‌ندرت دیده می‌شود و آن تعبیه دام در محل‌هایی است که حیوان جهت آب خوردن به آن مناطق می‌روی دل در صید به این ترتیب غالبا حیوان یکی از دست‌هایش به علت گیر کردن در تله، می‌شکند.

...بهترین موقع صید گور (زنده‌گیری) ماه‌های خرداد، تیر، آذر و دی است. توضیح آنکه گور در اول بهار و پاییز به علت تغییراتی که در پوستش ایجاد می‌شود، بدنش بسیار حساس و با کمترین تماس خارجی تولید زخم و جراحات شدید می‌کند.

محیط‌زیست

دیدگاه

بازسازی غیر طبیعی طبیعت

احمد افقعی

■ شهرهای بزرگ عموماً از رشد بخش‌ها و حتی روستاها تشکیل شده‌اند. از پاریس که آوای گرگ‌های آن سابقه تاریخی دارد تا لندن و تهران و مسکو و تبریز و اصفهان، و همه این شهرها برای گسترش خود در طبیعت بکار اطرک خود پیش رفته‌اند. حتی هم‌سال‌های ما هم به خاطر دارند که سعادت‌آباد، زعفرانیه، کاشانک، فلاح و کل جاده ساوه و دهها جای دیگر تهران غیرمسکونی و خارج از شهر به حساب می‌آمد. با گسترش شهرها، جدا از ساخت و سازها، مناطقی از طبیعت باقی می‌ماند که به دلایل گوناگون غیرقابل ساخت است؛ بستر و حریم رودخانه‌ها، سیل‌ها، برخی مناطق کوهستانی یا دره‌ها و مواردی از این دسته، طراحی، استفاده و مدیریت این گونه‌نمناطق در کشورهای مختلف متفاوت است و بررسی آن نکات جالبی را روشن می‌کند. در اکثر کشورهای غربی این گونه مناطق بدون تغییر حفظ می‌شوند و نگهداری آنها در جهت گسترش و بازسازی محیط طبیعی اصلی است؛ هم از نظر پوشش گیاهی و حیات جانوری و هم از نظر استفاده اهالی از آن محیط‌ها، که طبعاً محدودیت‌هایی را به همراه دارد. در نتیجه شما می‌توانید در مرکز اکثر شهرهای اروپایی یا آمریکایی با محیطی بکر و دست‌نخورده طبیعی مواجه شوید و فراموش کنید که در قلب یک کلانشهر صنعتی قرار گرفته‌اید. حتی سنترال پارک نیویورک هم این وضعیت را دارد یا در پاریس، استیکلم، مسکو، برلین و شهرهای دیگر، مدیریت شهری اما در کشور ما وضع متفاوتی دارد. این‌گونه مناطق به سرعت اول تخریب و اکثر درختان و پوشش‌های گیاهی آنها نابود می‌شود، سپس با ماشین‌های سنگین تسطیح‌شده و پوشش جدیدی ایجاد می‌شود شامل مقادیر زیادی چمن‌کاری، گل‌کاری، درختان سرو و کاج، تعدادی آلاچیق، جاده‌های آجری، سنگی یا آسفالت پیاده‌رو، بدیهی است حیات جانوری در همان ابتدای کار کلا محو و نابود شده است. جدا از اینکه برخی از این مناطق نابود می‌شوند یا تنها پارک‌های از آنها باقی می‌ماند، از مسیل فرحزاد گرفته تا ولنجک و دربند و رودخانه که عملاً به زباله‌دانی تبدیل شده‌اند و شهرداری ترجیح می‌دهد در مناطقی آنها را بپوشاند.

به اعتقاد من این گونه اقدامات ناشی از تفکری است که گمان می‌کند انسان یگانه فعال مایشاء کائنات است و باید همه جا را مطابق میل خودش تغییر دهد. این دیدگاه به طبیعت تکلیفی می‌کند که حق داشتن حیات جانوری را ندارد و پوشش گیاهی را هم مطابق میل و اراده خودش برای آن تجویز می‌کند. حاصل آن محیط‌هایی خشک، بی‌روح و غیر طبیعی است که تولید انبوه شده است و در سطح شهرها دیده می‌شود.

این تفکر نمی‌بیند که طبیعت هر منطقه طی صدها هزارها سال بهترین ترکیب گیاهی و جانوری را پیدا کرده است که از نظر آب و هوا، موقعیت جغرافیایی و اقلیمی کاملاً سازگاری پیدا کرده است. درخت‌های توت و خرماوی کن و فرحزاد را یشه‌کن می‌کنند و به‌جایش گل بنفشه و رز و درخت کاج و پیاده‌رو آجری می‌سازند.

طبیعتی را نابود می‌کنند تا روباه و شغال، خرگوش و لاک‌پشت و مار و پرندهای گوناگون و دهها و صدها گونه دیگر منمحل شود. به جای آن قفس پرندگان می‌سازند و در آن طولی نگه می‌دارند. در بسیاری شهرهایی که برای حفظ طبیعت ارزش قابل هستند در کنار زندگی مردم سنجاب‌ها، غزاها، اردک‌ها، روباه‌ها و انواع حشرات و گونه‌های بسیار متنوع دیگر زندگی می‌کنند. در شهرهای بزرگ کانادا در جوار مردم گوزن‌های محلی و حتی راکون‌ها هم زندگی می‌کنند. حفظ محیط در شکل طبیعی خود در افزایش آرامش روحی و روانی جوامع انسانی تاثیر جدی و موثر دارد. بودن با حیوانات، همزیستی و دبدن آنها برای مردم و به ویژه کودکان بسیار مفید و سلامت‌آفرین است. وجود این مناطق حس سرد و بی‌روح ماشین‌زدگی را از اندھان دور می‌کند. موضوع فقط نوع تگرش به طبیعت و پذیرش حق حیات و زندگی برای آن است. مسیر طولانی و مناسب رودخانه کن متأسفانه کلا تخریب و نابود شده است. ماشین‌ها و آدم‌ها در حال ایجاد زمین‌های بزرگ چمن کاری و گل کاری هستند تا هزاره‌وز مقادیر زیادی آب در فصل گرما برای آبیاری و نگهداری آن صرف شود و چشم‌اندازی نابزیا و مصنوعی به وجود آید. بجای آن بهتر نبود این مسیر سدهک‌تاری را با درختان بومی که با محیط سازگاری کمل دارند، می‌پوشاندند و حیات‌وحش و طبیعت محل را نگهداری می‌کردند تا هم در دل کلانشهر تهران فضایی طبیعی ایجاد می‌شد و هزینه نگهداری آن به مراتب کمتر بود و هم مصرف آب کمتری در این شهر یی آب می‌داشت؟ بدون شک چنین محیطی مامن پرندگان و حیوانات گوناگون می‌شد که دبدن آنها برای هر بیننده‌ای که از فضای دودزده و آلوده تهران گریخته است، دلنشین و جذاب می‌توانست باشد. جدا از اینکه حفظ، احیا و گسترش این‌گونه محیط‌های طبیعی بخشی از احیای میراث‌های طبیعی محیط هم محسوب می‌شود که خاطرات و منظره دهها و صدها سال گذشته را در ذهن بینندگان زنده نگه می‌دارد. متأسفانه طبق شنیده‌ها طرح جامعی برای این‌گونه محیط‌های طبیعی وجود ندارد و بنا بر میل پیمانکاران طرح‌هایی پیاده می‌شود. تاسف‌بارتر اینکه پیمانکاران کارهایی را انجام می‌دهند که اجرای آن صرفه اقتصادی بیشتری داشته باشد! جا دارد که شهرداری برای طرح‌های درون و حاشیه شهرها از متخصصان منابع طبیعی، محیط زیست، جانورشناسان و دوستداران محیط زیست بهره‌گیری کند؛ از کسانی که این طرح‌ها را نه بر مبنای منافع اقتصادی و کسب سود بلکه به عنوان احیا و نگهداری بخشی از طبیعت نگاه می‌کنند.